

# شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری و گسترش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب (تحلیل ثانویه مقالات فارسی منتشر شده در یک دهه اخیر)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۷/۹

مریم یارمحمد توسکی\*

تاریخ تأیید مقاله: ۹۳/۱۰/۲۷

سعید نریمانی\*\*

## چکیده

این مقاله با هدف شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری و گسترش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب نگاشته شده است. روش مطالعه تحلیل ثانویه، جامعه آماری مقالات فارسی مربوط به پوشش بانوان ایرانی منتشر شده در یک دهه اخیر به تعداد ۲۳۴ مقاله، روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند و حجم نمونه هفده مقاله بوده است. براساس یافته‌های به‌دست آمده از بررسی مقالات منتخب در حوزه مدنظر، ضعف عملکرد مادران، گروه‌های همسال، هنرپیشه‌ها و بازیگران زن تلویزیون و سینما در ارائه الگوهای مناسب پوشش، ارائه الگوهای نامناسب پوشش از طریق برنامه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی، ضعف حساسیت و نظارت والدین بر نوع و نحوه پوشش فرزندان دختر، و فرهنگ‌پذیری از فرهنگ غرب در نوع و نحوه پوشش در شکل‌گیری و گسترش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب بیشترین نقش را داشته‌اند. در نهایت نیز پیشنهادهایی به‌منظور بهبود وضعیت پوشش بانوان شهرنشین ایرانی ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی، بانوان شهرنشین ایرانی، پوشش‌های نامناسب، مقالات، تحلیل ثانویه.



## مقدمه و طرح مسئله

پوشش بانوان واقعیتی اجتماعی در جامعه مذهبی ماست که اگر معیارهای آن به‌درستی رعایت شود در حفظ ارزش زن و تحکیم بنیان خانواده، جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و تحقق امنیت اجتماعی و... بسیار مؤثر است، اما اگر به هر علتی میل و جاذبه برای پیروی از آن وجود نداشته باشد و حدود آن به‌درستی رعایت نشود با «مسئله پوشش» و یا «اختلال هنجاری در پوشش» روبه‌رو می‌شویم که می‌توان آن را نوعی ناهنجاری پوششی تلقی کرد و در واقع تابعی از ناهنجاری اجتماعی است. مسئله‌ای که هم‌اکنون جامعه ایرانی در شهرها با استناد به نتایج تحقیقات رضایی (۱۳۸۲)، اسماعیلی و کریمی تبار (۱۳۸۳)، محمدی (۱۳۸۴)، نحعی (۱۳۸۵)، زین‌آبادی (۱۳۸۶)، نیلچی‌زاده (۱۳۸۶)، بهرام‌زاده و لطفی (۱۳۹۰)، سلاجقه و موسی‌پور (۱۳۹۰)، شربتیان (۱۳۹۰)، کاویانی و همکاران (۱۳۹۰)، مختاریان‌پور و گنجعلی (۱۳۹۰)، فض‌الهی قمشی (۱۳۹۱)، فرهنگی و کیانا (۱۳۹۱)، رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۱)، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)، خوشخویی و همکاران (۱۳۹۲)، و عرب بافرانی و ملاحسنی (۱۳۹۲) با آن روبه‌رو است و دغدغه بسیاری از نخبگان فرهنگی، اجتماعی، دینی، سیاسی، و موجب جریحه‌دار شدن احساسات بسیاری از اقشار اجتماعی شده است. در واقع مسئله پوشش بانوان شهرنشین به این دلیل اهمیت دارد که «علاوه بر اختلال در آرامش روانی شهروندان، گسترش مفاسد اجتماعی، سقوط ارزش‌های اخلاقی و شخصیتی، و تزلزل ساختار دینی و فرهنگی فرد و خانواده را نیز در شهرها رقم زده است» (شربتیان، ۱۳۹۰: ۸۲-۸۳).

مسئله پوشش بانوان شهرنشین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل این بانوان و یکی از بااهمیت‌ترین مسائل فرهنگی و اجتماعی در ایران و به‌طور خاص جمهوری اسلامی ایران به یکی از پیچیده‌ترین مسائلی مبدل شده که نظام با آن مواجه است و احتمالاً دامنه این مسئله در آینده نیز گسترده‌تر خواهد شد؛ مسئله‌ای که شاید بی‌توجهی به پیچیدگی و برخورد ساده‌انگارانه با آن به نتایج عکس منجر شود. در نتیجه لزوم شناسایی و بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و گسترش آن به‌منظور ارائه راهکارهای مناسب برای برطرف کردن علل تأثیرگذار بیش‌ازپیش احساس می‌شود. از این‌رو، اگرچه می‌توان عوامل بسیاری (فرهنگی، اجتماعی، روانی، بیولوژیکی و سیاسی) را مؤثر دانست و به تشریح جزئیات آن پرداخت، اما از آنجاکه پوشش زن پدیده‌ای فرهنگی است و با نگاهی جامعه‌شناختی در بستری از روابط اجتماعی شکل می‌گیرد، آنچه در این پژوهش مدنظر



است بازننگری در تحقیقات انجام شده یک دهه اخیر و شناسایی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری و گسترش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب برای پاسخ به این سؤال است: مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری و گسترش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب با استناد به یافته‌های پژوهشی تحقیقات انجام شده در یک دهه اخیر کدام‌اند؟

## اهداف پژوهش

شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری و گسترش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب در تحقیقات انجام شده یک دهه اخیر؛

شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری و گسترش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب در تحقیقات انجام شده یک دهه اخیر؛

ارائه راهکار براساس یافته‌ها در تحقیقات انجام شده برای بهبود وضعیت پوشش بانوان شهرنشین ایرانی؛

## تعریف اصطلاحات و واژگان

از آن‌جاکه در جامعه ما به دلیل رواج اعتقادات دینی و وجود دستور حجاب به مثابه الزامی در پوشش زنانه، دو مفهوم پوشش و حجاب تا حدی درهم گره خورده و پوشش بانوان در ایران بیش از آنکه امری عرفی باشد، دینی است و یکی از مهم‌ترین مباحثی که در توضیح پوشش بانوان باید به آن اشاره کرد حجاب است، در راستای مسئله و هدف اصلی این تحقیق علاوه بر ارائه تعریفی از بدپوششی، تعریف بدحجابی نیز بیان می‌شود.

## پوشش

«پوشش از نظر لغوی به معنای پوشاندن چیزی است و اصولاً هر چیزی که روی چیز دیگر را بپوشاند، پوشاک می‌باشد» (عمید، ۱۳۶۲: ۳۴۴). همچنین به معنای لباس و حجاب آمده است (معین، ۱۳۷۸: ۲۷۴).



«در زبان فارسی برای لباس، واژه‌های «پوشش»، «تن پوش» و «پوشاک» را داریم. لفظ لباس که همان پوشش است، از مصدر پوشیدن گرفته شده که به معنی پنهان کردن و از نظر دور کردن است، به این مفهوم که لباس برای مردم ما، وسیله‌ای برای پوشاندن تن است که به‌طور طبیعی و به دلایل فرهنگی و معنوی در انتخاب این واژه جلوه‌گر شده است» (حدادعادل، ۱۳۸۶: ۴۱).

## حجاب

در فرهنگ فارسی معین حجاب به معنای «پرده، ستر و نقابی که زنان چهره خود را با آن می‌پوشانند» آمده است (معین، ۱۳۸۷: ۴۲۶). «حجاب از نظر لغوی مصدر «حجب، یحجب» است و در کتاب‌های لغت به پوشانیدن، در پرده کردن و نگهداشتن» (حسینی، ۱۳۸۰: ۲۴۳)، «حایل، منع کردن و... آمده است. حجاب در لغت همان منع کردن است و به پوشش نیز اطلاق می‌شود» (آشنایی، ۱۳۷۳: ۱۰).

## بدپوششی و بدحجابی

«بدپوششی به معنای نداشتن پوشش متناسب با استانداردهای متعارف عرف و بدحجابی به معنای نداشتن پوشش متناسب با الگوهای برگرفته از فقه اسلامی است. بنابراین برجسته‌ترین مصداق بدپوششی و بدحجابی که همه تلقی مشترکی از آن دارند همان نداشتن پوشش مناسب است که از آن جمله می‌توان به پوشیدن لباس‌های تنگ، بدن‌نما، تحریک‌کننده و بدشکل، و پوشیده نبودن برخی مواضع نیازمند پوشش اشاره کرد» (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۱).

## چارچوب مفهومی

از آنجاکه این مطالعه در جست‌وجوی آزمون فرضیاتی خاص و تبیین و تحلیل رابطه آماری میان متغیرها نیست، به یک چارچوب نظری معین تکیه ندارد، بلکه یک بنیان مفهومی به شرح ذیل دارد که الهام‌بخش تفسیرها و تحلیل‌های آن است.

## نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا<sup>۱</sup>

«از نظر بندورا، رفتار در نتیجه کنش متقابل بین شناخت و عوامل محیطی به

1. Albert Bandura's Social Learning Theory.

وجود می‌آید. شخص می‌تواند با کمک فرایند الگوسازی و با مشاهده رفتار دیگران، چه به صورت تصادفی و چه آگاهانه، یاد بگیرد. انتخاب الگوی یادگیری به‌وسیله شخص، تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر سن، جنس و موقعیت اجتماعی است و الگوهای برگزیده شده توسط فرد می‌تواند مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای رسمی جامعه باشد. همچنین فرد ممکن است الگوهای رفتار انحرافی را برگزیند. بر همین اساس، فرایند «مدل‌سازی»<sup>۱</sup> در کانون توجه نظریه یادگیری اجتماعی قرار دارد که در آن، شخص رفتار اجتماعی دیگران را به‌وسیله مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد و آموختنی‌ها از طریق پاداش و تنبیه تقویت می‌شود» (کاوه، ۱۳۹۱).

## نظریه جامعه‌پذیری پارسونز<sup>۲</sup>

«پارسونز جامعه‌پذیری را فرایندی می‌داند که طی آن الگوهای فرهنگی، یعنی ارزش‌ها، اعتقادات، زبان و نمادها در نظام شخصیت درونی می‌شوند. وی فرایند جامعه‌پذیری را ناشی از یک ارتباط همه‌جانبه میان نظام‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی می‌داند و معتقد است جامعه‌پذیری عمدتاً در خانواده، گروه‌های همسال، نظام آموزشی جامعه، و وسایل ارتباط جمعی انجام می‌گیرد» (روشه، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

## نظریه شرم‌نده‌سازی جان بریتویت<sup>۳</sup>

«جان بریتویت از کنترل افراد توسط جامعه از طریق شرم‌نده‌سازی بحث می‌کند. به نظر وی شرم‌نده‌سازی نوعی ابزار عدم تأیید اجتماعی نسبت به رفتاری خاص برای تحریک ندامت در شخص منحرف است. بریتویت از دو نوع شرم‌نده‌سازی صحبت می‌کند: ۱. شرم‌نده‌سازی جداکننده<sup>۴</sup> که طی آن کج‌رفتار، بدنام، طرد و در نتیجه از جامعه هم‌نویان تبعید می‌شود و ۲. شرم‌نده‌سازی پیونددهنده (بازپذیرنده)<sup>۵</sup> که ضمن اعلام درک احساس کج‌رفتار و نادیده گرفتن تخلف وی و حتی ابراز احترام به او، نوعی

1. Modeling.
2. Parson's Socialization Theory.
3. John Braithwaite's Shaming Theory.
4. Disintegrative Shaming.
5. Reintegrative Shaming.



احساس تقصیر در او ایجاد کرده، نهایتاً او را از ادامه کج رفتاری بازمی‌دارد و از بازگشت او به جمع هم‌نوایان استقبال می‌کند» (صدیق سروسناتی، ۱۳۸۷: ۵۴).

## نظریه اشاعه فرهنگی ژان پواریه<sup>۱</sup>

«اشاعه فرهنگی فرایندی است که به‌وسیله آن عناصر یا مجموعه‌های فرهنگی از یک فرهنگ یا جامعه به فرهنگ یا جامعه دیگر منتقل می‌شوند و تدریجاً جذب فرهنگ اخیر گشته و سبب دگرگونی آن می‌گردند» (Kroeber-۱۹۶۴: ۱۴۲-۱۴۶).

«ژان پواریه، چهار باور فکری را برای اشاعه‌گرایی<sup>۲</sup> برمی‌شمارد: نخست، باور به محدود بودن قدرت ابداع در انسان، ابداع‌ها محدود و اشاعه‌ها فراوان‌اند؛ دوم، باور به تماس و همجواری فرهنگ‌ها به‌مثابه دلیل تغییر فرهنگی؛ سوم، دگرگونی پدیده‌های وارد شده در فرهنگ جدید، تحت شرایط خاص آن فرهنگ و شرایط خاص انتقال؛ و چهارم، وجود وابستگی متقابل میان عناصر فرهنگی اشاعه‌یافته» (فکوهی، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

«اشاعه فرهنگی از طریق هم‌جواری جغرافیایی، پیروزی در جنگ، اشغال نظامی، مهاجرت، و امروزه به‌وسیله تکنولوژی نوین ارتباطی برقرار گردد که در این صورت مرز مشترک با فرهنگ‌پذیری<sup>۳</sup> پیدا می‌کند. فرهنگ‌پذیری نوعی از اشاعه فرهنگی از طریق تماس نزدیک و مداوم میان فرهنگ‌هاست که می‌تواند اختیاری یا تحمیلی باشد که اگر انتقال عناصر فرهنگی از فرهنگی به فرهنگ دیگر تحمیلی، بیشتر و با برنامه باشد عنوان هجوم فرهنگی<sup>۴</sup> می‌گیرد» (واگو، ۱۳۷۲: ۱۵۷-۱۶۰).

«به‌طور کلی می‌توان اشاعه فرهنگی را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. اشاعه مستقیم:<sup>۵</sup> زمانی که دو فرهنگ در قرابت و مجاورت یکدیگر قرار می‌گیرند، مانند ازدواج، تجارت، گاهی اوقات دوران جنگ را هم می‌توان در این تقسیم‌بندی قرار داد.
۲. اشاعه اجباری:<sup>۶</sup> زمانی رخ می‌دهد که یک فرهنگ، فرهنگی دیگر را مطیع خود سازد و آداب و رسوم خود را به فرهنگ مغلوب تحمیل نماید.

1. Jean Poirie's Cultural Diffusion Theory.  
2. Diffusionism.  
3. Acculturation.  
4. Cultural Invasion.  
5. Direct Diffusion.  
6. Forced Diffusion.

۳. اشاعه غیرمستقیم: امروزه اشاعه غیرمستقیم به دلیل وجود رسانه‌های جمعی و اینترنت بسیار رایج است» (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۴۴).

## روش تحقیق

نوع روش در این تحقیق، تحلیل ثانویه<sup>۱</sup> است که هاکیم<sup>۲</sup>، آن را چنین تعریف می‌کند: «هر تحلیل بعدی (ثانوی)، مجموعه‌ای از اطلاعات موجود است که تفسیر، نتیجه‌گیری یا شناختی افزون بر گزارش اول یا متفاوت با آن را ارائه می‌دهد» (بیکر، ۱۳۸۶: ۳۰۷). جامعه آماری مقالات فارسی مربوط به پوشش بانوان ایرانی منتشر شده در یک دهه اخیر و نمایه شده در بانک‌های اطلاعاتی مگیران، نورمگز، و اس آی دی (اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی) به تعداد ۲۳۴ مقاله است. از آنجا که همه مقاله‌های بررسی شده در راستای مسئله و هدف اصلی پژوهش نبوده‌اند، همچنین با لحاظ کردن معیارهای انتشار در مجلات علمی معتبر، مقبولیت چارچوب نظری و مفهومی در مقالات تجربی و محاسبه پایایی و روایی در این مقالات، استفاده از منابع معتبر و قابل استناد و نیز برخورداری از فراوانی منابع در مقالات اسنادی برای انتخاب نمونه تحقیق، با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند<sup>۴</sup> هفده مقاله که بیشتر آنها رتبه علمی - پژوهشی دارند برای استخراج داده‌ها انتخاب شده‌اند. «درواقع در این روش نمونه‌گیری محقق از میان جامعه آماری، تعداد نمونه‌هایی را انتخاب می‌کند که با هدف پژوهش بیشترین سازگاری را دارند» (فرانکفورد ونجمیاس، ۱۳۸۱: ۲۶۴). بنابراین معیار انتخاب نمونه‌ها در این روش نمونه‌گیری نظر شخصی محقق بوده که البته این نظر بر مسئله و هدف اصلی تحقیق استوار است. در این مطالعه با روش تحلیل ثانویه، مقالات منتشر شده در حوزه مدنظر مورد بازنگری و بررسی قرار می‌گیرند، اما اطلاعات به دست آمده از مقالات مورد بررسی، تجزیه و تحلیل آماری نمی‌شوند، بلکه داده‌های حاصل از مقالات منتخب، تلفیق و تلخیص، و از آنها برای پاسخ‌گویی به پرسش آغازین و نیل به هدف اصلی تحقیق استفاده خواهد شد. «از نظر نیومن<sup>۵</sup>، بازنگری پیشینه تحقیق اهداف مختلفی دارد

1. Indirect Diffusion.
2. Secondary Analysis.
3. Hakim.
4. Purposeful Non-Random Sampling.
5. Neuman.



که یکی از آنها تلفیق و تلخیص موضوعات جدید در یک حوزه مطالعاتی است» (Neuman, ۲۰۰۰: ۴۴۶-۴۴۷). تحقیقات انجام شده در یک دهه اخیر (منتشر شده در قالب مقالات) در ارتباط با عوامل مؤثر در شکل‌گیری و گسترش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ یک دسته تحقیقات (مقالات) اسنادی که این مطالعات عمدتاً با دیدی انتقادی به تشریح عوامل مؤثر بر گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب پرداخته است، دسته دوم مطالعات تجربی که عوامل مؤثر بر گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب را شناسایی و مورد بررسی قرار داده است، دسته سوم مجموعه‌ای از مطالعات (مقالات) تجربی و اسنادی که عوامل مؤثر بر گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به پوشش اسلامی، جایز و مناسب همچنین شکل‌گیری و گسترش گرایش این بانوان به استفاده از پوشش‌های نامناسب را مورد شناسایی، بررسی و تشریح قرار داده است. درحقیقت، همان‌طور که تحقیقات نوع اول به تشریح عوامل مؤثر در افزایش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب و تحقیقات نوع دوم عوامل مؤثر در شکل‌گیری گرایش بانوان شهرنشین به استفاده از پوشش‌های نامناسب در جامعه را مورد شناسایی و بررسی قرار داده‌اند، تحقیقات نوع سوم عوامل مؤثر بر رعایت معیارهای پوشش اسلامی، جایز و مناسب همچنین عوامل شکل‌گیری و گسترش گرایش به استفاده از پوشش‌های نامناسب در میان بانوان شهرنشین ایرانی را مورد شناسایی، بررسی و تشریح قرار داده‌اند. در این تحقیق بعد از بازنگری مقالات منتشر شده در هر سه دسته، به‌منظور پاسخ به مسئله و نیل به هدف اصلی تحقیق، مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری و گسترش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب از منظر این تحقیقات (مقالات) شناسایی بررسی می‌شود. اما ضروری است به محدودیتی که در این قبیل مطالعات (تحلیل ثانویه) وجود دارد اشاره شود. تفاوت در روش نمونه‌گیری، حجم نمونه، جامعه آماری، شرایط گردآوری داده‌ها، نوع پرسش‌ها، درمجموع یک‌دست کردن یافته‌های پژوهشی را مشکل می‌سازد. درواقع در فرایند تلفیق یافته‌ها، خصلت منحصر به فرد بودن هر تحقیق نادیده گرفته می‌شود. افزون بر این، همواره تعدادی از تحقیقات معتبر و ارزشمند هستند که هنوز منتشر نشده‌اند و از حوزه دسترسی محققان بیرون مانده‌اند. بنابراین محققان در این تحقیق با اذعان به چنین محدودیت‌هایی می‌کوشند با نهایت احتیاط به تفسیراطلاعات موجود بپردازند.



## ضعف عملکرد مادران

نهاد خانواده نخستین منبع یادگیری اجتماعی برای فرزندان است، اما در میان اعضای خانواده، والدین به‌عنوان مهم‌ترین افراد تأثیرگذار بر اعمال و رفتار فرزندان با عمل به ارزش‌ها و قواعد، نقش مثبتی در به تصویر کشیدن ذهنیت مثبت آنان از این قواعد و ارزش‌ها دارند. بنابراین وقتی والدین به یک ارزش یا هنجار اجتماعی اعتقاد داشته باشند و آن را در رفتار و اعمال خود به کار گیرند، فرزندان نیز با آن ارزش و هنجار آشنا می‌شوند و در اعمال و رفتار خود به کار می‌گیرند. برای مثال در مقوله پوشش بانوان «نتایج تحقیقات نشان داده است که هم‌بستگی بالایی میان وضعیت ظاهری و نوع پوشش مادر با پوشش دختر وجود دارد. ۹۰/۷ درصد دختران مادران شهرنشینی که دارای پوشش روسری، مانتو و شلوار بوده‌اند چنین پوششی داشته‌اند و ۵۰/۷ درصد دختران مادران شهرنشین چادری نیز پوششی مشابه مادر خود داشته‌اند» (شرف‌الدین، ۱۳۸۶: ۲۸۲ به نقل از عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

تأثیر الگوپذیری از رفتار و عملکرد مادران در ارائه الگوهای پوششی به دختران خود در حالی است که نتایج تحقیق اسماعیلی و کریمی تبار (۱۳۸۳)، نعی (۱۳۸۵)، کاویانی و دیگران (۱۳۹۰)، و عباس‌زاده و دیگران (۱۳۹۱)، یکی از علل شکل‌گیری و گسترش گرایش به استفاده از پوشش‌های نامناسب توسط دختران شهرنشین را رفتار و عملکرد نامناسب مادرانشان در ارائه الگوهای مناسب پوشش به آنها عنوان کرده‌اند.

## ضعف عملکرد گروه‌های همسال

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر رفتار و اعمال افراد، «گروه‌های همسال» هستند. این گروه‌ها یکی از اساسی‌ترین اشکال روابط اجتماعی هستند و در یادگیری‌های اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند. برای مثال در مقوله پوشش بانوان «نتایج تحقیقات نشان داده است که هم‌بستگی بالایی میان نوع پوشش دوستان یک دختر با پوشش خود او وجود دارد. حدود ۷۰ درصد دختران شهرنشینی که صمیمی‌ترین دوستانشان چادری بوده‌اند، چنین پوششی را برگزیده بودند و ۷۳ درصد دختران شهرنشینی که نزدیک‌ترین دوستانشان دارای روسری و مانتو و شلوار بوده‌اند، چنین پوششی داشته‌اند» (شرف‌الدین،





۱۳۸۶: ۲۸۲ به نقل از عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱). تأثیر الگوپذیری از پوشش دوستان بر دختران شهرنشین در حالی است که نتایج تحقیقات مختاریان‌پور و گنجعلی (۱۳۹۰)، کاویانی و دیگران (۱۳۹۰)، فضالهی قمشی (۱۳۹۱)، و عباس‌زاده و دیگران (۱۳۹۱) یکی از علل شکل‌گیری و گسترش گرایش دختران شهرنشین به استفاده از پوشش‌های نامناسب را ارائه الگوهای نامناسب پوشش از سوی دوستانشان دانسته‌اند.

### ضعف عملکرد هنرپیشه‌ها و بازیگران زن تلویزیون و سینما

از دیگر افرادی که در مقام مقایسه به آنها ارجاع و از آنها الگوبرداری می‌شود و افراد مایل‌اند برنامه زندگی خود را متناسب با تصویری که از آنان دارند تنظیم کنند، هنرپیشه‌های تلویزیون و بازیگران سینما هستند. درباره اثرپذیری بانوان شهرنشین از هنرپیشه‌ها و بازیگران زن تلویزیون و سینما در مقوله پوشش باید گفت یکی از مهم‌ترین سبب‌هایی که بر رفتار بانوان شهرنشین و ارزش‌های آنها در شرایط بعد از انقلاب تأثیر بسیاری داشته، پوشش هنرپیشه‌ها و بازیگران زن تلویزیون و سینما بوده است. «نگاهی به فیلم‌ها و سریال‌های پخش شده از تلویزیون و تیپ‌شناسی هنرپیشه‌های زن، به خوبی نشان می‌دهد مدل‌های لباس مورد استفاده توسط آنان تا چه حد با ارزش‌های جامعه ما ناهماهنگ است و اگر هم در فیلم یا سریالی این هماهنگی وجود داشته و بانوان تصویر مثبتی از شخصیت و پوشش آن هنرپیشه و مدل رفتاری‌اش مشاهده کنند، به سرعت هنرپیشه مزبور در فیلم یا برنامه تلویزیونی دیگری حاضر شده و چهره بسیار متفاوتی از خود نشان می‌دهد» (زین‌آبادی، ۱۳۸۶: ۲۰۵؛ شربتیان، ۱۳۹۰: ۸۷). نخی نیز معتقد است هنرپیشه‌های زن در برخی از سریال‌ها و فیلم‌هایی که از تلویزیون نمایش داده می‌شوند، مروج پوشش‌های تند و زنده هستند (نخی، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

«در ساخت فیلم‌های سینمایی نیز با تغییر تدریجی ارزش‌ها ارائه الگوهای پوششی مناسب با فرهنگ خودی کم‌رنگ‌تر شده است» (فرهنگی و کیانا، ۱۳۹۱: ۱۵۸). امروزه در سینما، پوشیدگی مانعی برای پیشرفت و تجدد است و یکی از شرایط لازم برای اینکه قهرمان زن فیلم، روشن‌فکر تلقی شود این است که پوشش خود را به‌طور کامل رعایت نکند، «بنابراین ایده‌ها، ارزش‌ها، و افکاری به بانوان بیننده تلقین می‌شود که با هنجارهای جامعه فرق دارد» (همان: ۱۵۸).

«برخی از سریال‌ها و فیلم‌های داخلی متناسب با چارچوب و موازین اسلامی نیست و بعضی از هنرپیشه‌ها و بازیگران زن از پوشش لازم و مناسب برخوردار نیستند» (محمدی، ۱۳۸۴: ۶۹).

## برنامه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی

با تهاجم رسانه‌های بیگانه، در وضعیت رعایت قواعد پوششی و رفتاری بانوان شهرنشین جامعه ما تغییراتی ایجاد شده که اینترنت و ماهواره به‌عنوان یکی از عظیم‌ترین و پیچیده‌ترین وسایل ارتباط جمعی، آثار بسزایی در این تحولات داشته است. «برنامه‌های ماهواره و اینترنت با ایجاد یک واقعیت اجتماعی بیمار و مبتنی بر فرهنگ غرب انتظارات از بانوان شهرنشین در اجتماع را به‌گونه‌ای تغییر داده‌اند که حداقل در نیمی از آنان انتظار می‌رود برای پذیرفته شدن در میان دیگران، با پوشش نامناسب در جامعه حاضر شوند» (مختاریان‌پور و گنجلی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). «بنابراین امروزه مظاهر پوشش جایز برای بانوان شهرنشین متکثر شده و وجود انواع چادرها، روسری‌ها، و مانتوها مرز میان پوشش جایز و بدپوششی را برای آنان از میان برده است» (عرب‌بافرانی و ملاحسنی، ۱۳۹۲: ۸۳).

نتایج تحقیقات سلاجقه و موسی‌پور (۱۳۹۰)، رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۱)، و خوشخویی و دیگران (۱۳۹۲) نیز نشان داده که استفاده از وسایل ارتباطی مدرن نظیر ماهواره و اینترنت و گسترش استفاده آنها از سوی بانوان شهرنشین، استفاده از پوشش ناهم‌نوا با هنجارهای رسمی جامعه را در میان آنها گسترش، و گرایش به پوشش اسلامی و مناسب، و رعایت پوشش جایز در میان آنها را کاهش داده است.

## ضعف نظارت و حساسیت والدین

والدین مهم‌ترین افراد در تربیت و کنترل فرزندان خود هستند. چند ویژگی مهم والدین باعث شده است تا کنترل‌هایی که آنها اعمال می‌کنند کارایی بالاتری نسبت به دیگر کنترل‌های غیررسمی داشته باشند: ۱. والدین در خانواده مخاطب خود را به‌خوبی می‌شناسند و مطابق با ویژگی‌های شخصیتی‌اش، او را از انحراف باز می‌دارند، ۲. کنترل‌های والدین معمولاً حالت عاطفی دارد و از روش‌ها و سازوکارهای غیررسمی که طیف وسیعی را در برمی‌گیرد استفاده می‌شود، ۳. معمولاً والدین تا وقتی فرد خاطی



و منحرف اصلاح نشود دست‌بردار نیستند و با پیگیری‌ها و نظارت مستمر خود باعث می‌شوند آن شخص تغییر رفتار دهد و خود را با سایر اعضای خانواده هماهنگ سازد. این در حالی است که در زمینه نقش نظارتی والدین شهرنشین بر نوع و نحوه پوشش دختران خود نتیجه تحقیق بهرام‌زاده و لطفی (۱۳۹۰) نشان داده است که امروزه والدین شهرنشین ایرانی دیگر حساسیت فرهنگی لازم را ندارند و بر رعایت هنجارها و سنت‌های مقبول جامعه توسط دخترانشان همچون استفاده از پوشش‌های مناسب و رعایت فرهنگ پوشیدگی چندان نظارت نمی‌کنند. آنان با استناد به یافته‌های به‌دست آمده از تحقیق خود می‌گویند: «کاهش حساسیت و نظارت والدین شهرنشین درباره نوع و نحوه پوشش دخترانشان یکی از علل شکل‌گیری و گسترش گرایش به استفاده از پوشش‌های نامناسب در میان آنها (دخترانشان) بوده است» (بهرام‌زاده و لطفی، ۱۳۹۰).

### فرهنگ‌پذیری از فرهنگ غرب

«با وقوع انقلاب اسلامی و گسترش فرهنگ اسلامی، گرایش بانوان شهرنشین به رعایت پوشش اسلامی مجدداً گسترش پیدا کرد؛ رفته رفته عمومیت یافت و سپس به هنجار قانونی تبدیل گردید. اما پس از پایان جنگ و به‌ویژه در سال‌های اخیر، مسیر نزولی گرایش به رعایت حجاب و پوشش اسلامی آغاز شد و تا امروز که تقریباً عمومیت خود را در شهرها از دست داده، ادامه یافته است. مهم‌ترین علت دگرگونی‌های فرهنگی ایجاد شده در این زمینه، رویارویی فرهنگ اسلامی با فرهنگ غرب از موضع ضعف و یا همان مسئله تهاجم فرهنگی بوده است» (رضایی، ۱۳۸۲: ۵۱). امروزه، در میان بانوان شهرنشین به تأثیر از القانات فرهنگی غرب در زمینه پوشش «هر روز شاهد لباس‌های وارداتی عجیب و غریبی هستیم که در بیشتر موارد نه‌تنها زیبا نیستند بلکه هیچ‌یک از آنها با فرهنگ جامعه ما سنخیت ندارد و فقط تقلید کورکورانه از فرهنگ غرب است» (نیلچی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۳).

### نتیجه‌گیری

مسئله پوشش به‌عنوان دغدغه‌ای فردی و اجتماعی، الزاماتی را در تمامی فرهنگ‌ها و جوامع به همراه دارد و به‌لحاظ ارتباطی که با ویژگی‌های گوناگون فردی و اجتماعی انسان دارد، روش‌های گوناگونی را می‌توان برای شناسایی و بررسی عوامل مؤثر در

شکل‌گیری این مسئله و گسترش آن پی‌گرفت و آن را از زوایای مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بررسی کرد. از این‌رو، مقاله حاضر با هدف شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در شکل‌گیری و گسترش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب با روش تحلیل ثانویه و با استناد به داده‌های به‌دست آمده از تحقیقات (در قالب مقالات منتشر شده) انجام شده در یک دهه اخیر نگاشته شده است. در نهایت با توجه به یافته‌های حاصل از بررسی مقالات منتخب در حوزه مدنظر، عواملی چون ضعف عملکرد مادران، گروه‌های همسال، هنرپیشه‌ها و بازیگران زن تلویزیون و سینما در ارائه الگوهای مناسب پوشش، ارائه الگوهای نامناسب پوشش از طریق برنامه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی، ضعف حساسیت و نظارت والدین بر نوع و نحوه پوشش فرزندان دختر، و فرهنگ‌پذیری از فرهنگ غرب در نوع و نحوه پوشش، در شکل‌گیری و گسترش گرایش بانوان شهرنشین ایرانی به استفاده از پوشش‌های نامناسب بیشترین نقش را داشته‌اند.

## ارائه راهکار و پیشنهاد

### پیشنهاد به مادران

استفاده از پوشش مناسب حتی در محیط خانه برای آشنایی با فرهنگ پوشیدگی از همان دوران کودکی.

### پیشنهاد به والدین

افزایش حساسیت و نظارت بر نوع و نحوه پوشش دختران همراه با رعایت اصول اخلاقی و تربیتی.

### پیشنهاد به گروه‌های همسال

انتخاب دوستان مناسب و مقید به رعایت هنجارها و ارزش‌ها به‌منظور دریافت بهتر مفاهیم ارزشی همچون الگوهای مناسب پوشش.

### پیشنهاد به مسئولان سازمان صدا و سیما و وزارت ارشاد

اصلاح نظام الگوسازی پوشش در رسانه‌های داخلی (تلویزیون و سینما) از طریق توجه به نقش بانوان در برنامه‌ها، سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی، و فیلم‌های سینمایی برای یکسان‌سازی جایگاه اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، علمی و اقتصادی آنان با پوشش مورد استفاده.



اصلاح عملکرد رسانه‌های داخلی (تلویزیون و سینما) و آسیب‌شناسی آنها از طریق برگزاری جلسات نقد برای آن دسته از سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی که در آنها به رعایت ارزش‌ها و هنجارهایی چون استفاده از پوشش مناسب توسط هنرپیشه‌ها و بازیگران زن چندان اعتنایی نمی‌شود.

تدوین سیاست‌های روشن و مشخص در مورد لباس هنرپیشه‌ها و بازیگران زن در برنامه‌ها، سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی.

اصلاح سیاستگذاری‌های رسانه‌ای و تولید برنامه‌های متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی برای کاهش تأثیرپذیری از رسانه‌های دیداری خارجی (ماهواره و اینترنت). کمک گرفتن از متفکران و دانشمندان بومی برای ساخت و تولید برنامه‌هایی که از تأثیرگذاری برنامه‌های رسانه‌های خارجی (ماهواره و اینترنت) بکاهد، و اساس الگوهای فرهنگ بومی و دینی ما را تقویت و پاسداری کند.

### پیشنهاد به مسئولان فرهنگی، آموزشی و تربیتی

افزایش آگاهی بانوان نسبت به توطئه‌های مستمر فرهنگی غرب از طریق برگزاری کلاس‌های علمی و فرهنگی مناسب.

ارائه برنامه‌های آموزشی برگرفته از فرهنگ ایرانی و اسلامی به منظور تثبیت ارزش‌ها، مقابله با الگوهای فرهنگی نامناسب غرب و جلوگیری از به انحراف کشاندن بانوان ایرانی. تقویت مناسبات فرهنگی و ارتباطات میان فرهنگی با استفاده از ظرفیت سازمان‌های فرهنگی غیردولتی و خصوصی، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی - هنری در سطوح منطقه‌ای و ملی در مورد ترویج فرهنگ پوشیدگی به منظور گسترش فرهنگ ایرانی و اسلامی به سایر کشورها به‌عنوان ابزاری برای بازدارندگی از اشاعه فرهنگی غرب.

### منابع

- اسماعیلی، مریم و مریم کریمی تبار (۱۳۸۳). «حجاب برتر و علل بدحجابی»، دوفصلنامه علمی - ترویجی بانوان شیعه، سال اول، ش ۲.
- آشنایی، علی‌محمد (۱۳۷۳). *حجاب در ادیان الهی*، تهران: اشراق.
- بهرام‌زاده، محمدمهدی و ایمان لطفی (۱۳۹۰). «نقش حجاب در جامعه و شناسایی علل بدحجابی در بین جوانان، مطالعه موردی مراکز آموزشی شهر اهواز»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی

بسیج، ش ۵۰.

بیکر، ترز - ال (۱۳۸۶). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، نشر روش.

حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۶). *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، چ ۱۷، تهران: انتشارات سروش.

حسینی، حسین (۱۳۸۰). سراج، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

خوشخویی، منصور، محمدرضا یوسف‌زاده و پریسا آذریون (۱۳۹۲). «*بررسی رابطه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی (اینترنت، ماهواره و تلفن همراه) و گرایش دانشجویان دختر دانشگاه بوعلی به حجاب*»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات*، سال بیستم، ش ۱، پیاپی ۴۳.

رستگارخالد، امیر، میثم محمدی و سحر نقی‌پور ایوکی (۱۳۹۱). «*کنش‌های اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره*»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی زنان*، ش ۵۶.

رضایی، محمدحسین (۱۳۸۲). «*تحلیل جامعه‌شناختی پوشش اسلامی*»، *فصلنامه علمی - ترویجی مصباح*، ش ۴۶.

روشه، گی (۱۳۸۹). *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، چ ۲۱، تهران: نشر نی.

زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۶). «*جامعه‌پذیری حجاب*»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی زنان*، سال دهم، ش ۳۸.

سلاجقه، آریتا و نعمت‌الله موسی‌پور (۱۳۹۰). «*بررسی مقایسه‌ای پوشش دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، آزاد و پیام‌نور*» (مطالعه موردی شهرستان بافت)، *فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات فرهنگی*، دوره چهارم، ش ۳.

شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۰). «*تأملی بر تبیین جامعه‌شناختی حجاب و ارائه راهکارهای لازم برای آن*»، (ماهنامه) *نشریه علمی - تخصصی مهندسی فرهنگی*، سال پنجم، ش ۵۵ و ۵۶.

صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶). *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*، چ ۱، تهران: انتشارات ققنوس.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، چ ۲، تهران: انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی).

عباس‌زاده، محمد، محمداقبر عزیززاده اقدم، موسی سعادت‌ی و نیر محمدپور (۱۳۹۱). «*نگرشی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به بدحجابی به عنوان یک مسئله اجتماعی*»، (ماهنامه) *نشریه علمی - تخصصی مهندسی فرهنگی*، ش ۶۵ و ۶۶.

عرب‌بافرانی، محمدرضا و نعیمه ملاحسنی (۱۳۹۲). «*آسیب‌شناسی سکولار شدن حجاب با نگاهی به مسیرهای محتمل پیش روی جامعه دینی ایران*»، (ماهنامه) *نشریه علمی - تخصصی مهندسی فرهنگی*، سال هشتم، ش ۷۵.

عمید، حسن (۱۳۶۲). *فرهنگ فارسی عمید*، چ ۲۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.

فرانکفورد، چاو و ونجمیاس، دیوید (۱۳۸۱). *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، فاضل لاریجانی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سروش.

فرهنگی، علی‌اکبر و هانیه کیانا (۱۳۹۱). «*تأثیر رسانه‌ها در تبلیغ سبک زندگی غربی با تأکید بر الگوی پوشش غربی*»، *فصلنامه علمی - پژوهشی پاسداری فرهنگی*، ش ۵.





فض‌الهی قمشی، سیف‌الله (۱۳۹۱). «بررسی و اولویت‌بندی علل کم‌توجهی به پوشش اسلامی و راهکارهای ترویج آن در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌ها»، فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال دوم، ش ۲.

فکوهی، ناصر (۱۳۹۲). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، چ ۸، تهران: نشرنی.

کاوه، محمد (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی، ج ۱، چ ۱، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

کاوایی، ارشاد، مولود علی‌میرزایی و علیرضا احمدپور (۱۳۹۰). «جرم‌انگاری بی‌حجابی و عوامل مؤثر بر آن»، دوفصلنامه علمی - ترویجی بانوان شیعه، سال هشتم، ش ۲۷.

محمدی، اصغر (۱۳۸۴). «عوامل مؤثر بر بدحجابی در بین دختران و زنان شهر اصفهان»، فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی آستین، ش ۴.

مختاریان‌پور، مجید و اسدالله گنجعلی (۱۳۹۰). «نهادی‌سازی عفاف و حجاب، رویکردی فرایندی»، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات فرهنگی، ش ۲.

معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ واژگان فارسی، یک‌جلدی، چ ۱، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما.

نخعی، زینب (۱۳۸۵). «علل ضعف پوشش و راهکارهای بهینه‌سازی آن»، (فصلنامه) دوفصلنامه علمی - ترویجی بانوان شیعه، سال سوم، ش ۱۰.

نیلچی‌زاده، فروغ (۱۳۸۶). «بررسی و نقد الگوهای پوشش اسلامی در سه دهه اخیر»، دوفصلنامه علمی - ترویجی بانوان شیعه، سال چهارم، ش ۱۱.

واگو، استفان (۱۳۷۲). درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی، ترجمه احمدرضا غروی‌زاده، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.

- Kroeber, Alfred L. (1964). Diffusionism Ed A. Etzioni, Basic Book, in Social Change.

- Neuman, W. Lawrence (2000). Social Research Methods; Qualitative and Quantitative Approach, Boston: Allyn and Bacon





## The Recognition and Study of the Most Important Social and Cultural Factors for the Development and Expansion of Iranian City-dwelling Ladies Inclination in Choosing Inappropriate Coverings (A Secondary Analysis of the Published Articles During the Past Decade)

Maryamyar Mohammad Tusaki  
Saeed Narimani

This article has been written to recognize and analyze the most important socio-cultural reasons causing city-dwelling Iranian ladies to be inclined to use inappropriate dress codes. The study method used has been secondary analysis, the statistical society has been the Persian articles pertaining Iranian ladies' dresses and covering published in the recent decade (234 articles totally), the sampling method has been targeted and unaccidental and the volume of samples has been 17 articles. According to the research findings based on the afore-cited articles, mothers' weak performance, peer pressure, actors and actresses faltering in providing the youth with suitable role models, satellite and internet TV channels' advertising unsuitable dress codes, parents' weakness in supervising their childrens' choices especially girls and the acceptance of the Western culture in its selection of clothing, have been the most significant reasons city-dwelling Iranian ladies are inclined to use inappropriate dresses. At the end of the article some suggestions have been offered that can help correct this habit among the target population.

**Keywords:** the most important socio-cultural reasons causing city-dwelling Iranian ladies to be inclined to use inappropriate dress codes, articles, secondary analysis

## Cultural and Art Managers, Indexes and Qualification Conditions

*Gholamreza Montazeri*

In order to have mental and cultural changes in the society, there should be agents who have been selected as top managers of these areas based on meritocracy and due to their wisdom and discretion. Such a selection requires indicators and criteria which form its foundation. Thus, the analysis of such standards is the aim of this article via a descriptive approach and under the inspiration of religious teachings, the opinions of the elite and personal experiences among which we can mention inclinations, beliefs, moral and mental ability, and scientific and executive prowess. The results have shown that there is a meaningful relation between observing meritocracy in the selection of cultural managers and their efficiency when they take office. Moreover, there is a meaningful relation between the recognition, growth and flourishing of cultural talents and the qualitative and quantitative measures taken in the domain of science and art.

**Keywords:** cultural managers, index, qualification conditions





## Studying and Clarifying Educational Piety in Lifestyle

*Ahmadreza Nasr*

*Hossein Nazari*

*Ali Ghasempour*

*Setareh Mousavi*

In our religious literature, piety is given a salient position; it may even be claimed that in the Holy Quran, the religious tradition and the way of the prominent figures, piety is given the highest status. The objective of this research is an educational study of piety in the era of expecting the re-emergence. The method of the research is analytical-descriptive and the researcher has extracted and edited the educational influences of piety in the teachings of the Quran. It has been attempted in this research to evaluate the hidden but effective areas of piety and highlight its position as the special means of and ultimate end. According to the attained results, piety is by itself an ultimate goal and simultaneously a means which has a linear connection with the other final objectives in the Islamic education. In Quranic verses, piety is given a particular stance. Piety has various effects on the worldly or after-world aspects of the person's life that may be different or similar. In the final part of the research some solutions have been proffered that can result in having piety in the era of expectation.

**Keywords:** piety, lifestyle, educational effects.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## The Role of the Elites Silence and Speeches in the Growth of the Society from the Viewpoint of the Quran and Religious Quotations

*Norooz Amini*

*Soraya Karimi Akhormeh*

The elite are the most influential part of the society whose silence as well as their speeches play a significant role in the evolutionary movement of the society. In societies where these people are given the right to self-express are whose ideas are taken into consideration for decision-making processes, the society's growth is accelerated. Wanted and unwanted silence of the elite are among the most outstanding challenges of contemporary Islamic society. This silence may emanate from their materialism, the rulers' suppression, and/or the people's and the rulers' shunning them. The silence of the elite can be both appropriate and effective or on the other hand inappropriate and destructive. Thus, their silence can be categorized into two groups, i.e. appropriate or inappropriate. The former has positive effects while the latter has harmful impacts. In the article at hand, the impacts of such silences in the Islamic society - based on the viewpoints of the Quran and religious quotations - is discussed and elaborated.





## The Status of the Virtuous Tradition of Donation in Islamic Culture; Fathoming the Quran and the Way of the Imam

*Kazem Manafi Sharafabad*

*Elham Zamani*

*Abbas Poursalim*

Donation is among the features of the economic and legal systems in Islam and enjoys salient position and importance. It epitomizes benevolent help that is bereft of hypocrisy, annoyance, humiliation and fraught with good will, pious intentions. It is a soft loan that can help decrease the gap between social strata which the individual carries with them to the after world as saved deeds. Should this nice tradition be advertized and expands, it will bring with it positive and ever-lasting effects for this world as well as the other world. In other words, donations immortalizes the person's good deeds and makes the deed report of the person eternal, thus, making it possible for him/her to reap it benefits. The main purpose of this article is clarifying the act of donation in the view of Quran and Islamic tradition. The method of research is descriptive and documented analysis has been used; that is to say, all the sources used and the studies made were tagged on slips of paper which were in turn categorized into reseach findings via a qualitative approach. In this article, initially the concept of donation, its various kinds as well as its conditions, the truth behind and in it, and then its status and significance in the viewpoint of the Quran and Islamic tradition have been explicated. Afterwards, examples of donation in the Quran have been highlighted and in the end cultural samples of donation in the lives of the 14 Infallibles have been inserted.

**Keywords:** donation, Islamic culture, Quran, the way of the 14 Infallibles

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## Clarifying the Leadership Pattern in Strategic Management with Emphasis on the Characteristics Explicated in the Quran

*Behrouz Tahmasb Kazemi*

*Gholamreza Basirniya*

*Leila Tahmasb Kazemi*

The characteristics of the people who have leading or highest managements roles in the organizations and communities or societies, are among the most challenging questions posed in the area of human resource management. These characteristics differ in accordance to the intellectual bases and ethical systems of various societies resulting in their acceptance or non-acceptance and success or failure in those particular societies. The article at hand has attempted to highlight and discover the strategic characteristics of society managers and leaders on the basis of the educational and managerial traits of Prophet Moses proffered in the Quran. The attained axes are based on the scrutiny of religious texts as well as the interpretation and analysis of Quranic verses done by various interpreters. The subject of this research, from the aspect of belonging is mono-racial, from the aspect of function and role is interpretive and from the aspect of the belonged is attached to the mind and concepts. The reason Prophet Moses has been chosen as the theoretical example of this research is that His characteristics in the Quran and explicated and expanded in more details in comparison with the other role models; Moreover, His living time has been selected as the research time of this article. The selection of the verses has been based on the research, translation and interpretation method of Nemune Interpretation. In this research the characteristics of strategic leaders have been categorized into four groups: family traits, ethical and piety traits, physical and spiritual features and managerial features. Furthermore, the component parts of each have been extracted and explained. In addition to this, the educational components of leaders have been extracted and offered on a phenomenological basis. Among the most outstanding of such features, we can mention the education of these leaders in the society and the hardship they have undergone in their lives.

**Keywords:** Leaders, strategic managers, educational pattern, leadership characteristics

